

تغییر رویه جمعیتی ایران حکایت از گذار یکی از جوان ترین کشورهای جهان به کشوری پیر دارد

# رویش جوانه‌های پیری جمعیت

**صادق فرامرزی:** جامعه ایران به عنوان یکی از

جوان ترین جوامع جهانی در حال طی کردن رکوردهایی است که کشورمان را همزمان با جوان بودن تبدیل به یکی از گزیندهای پیری جمعیت در دهه‌های آتی می‌کند. سرعت عجیب افزایش رشد جمعیت ایران تا چند دهه پیش ایران را تبدیل به یکی از مصداق‌های رشد بی‌رویه جمعیتی در سطح جهان کرده بود تا آنکه در روند سیاست‌گذاری جاری کشور تصمیم به کنترل این افزایش جمعیت گرفته شد؛ کنترلی که هر چند بر مبنای نسبتا درستی از شرایط زمانه خود بود اما با روند افراطی اجرای خود این بار کشورمان را از جهت کنترل شدید جمعیت تبدیل به یکی از مثال‌های مشهور در فضای دانشگاهی جهان و مطالعات جمعیت‌شناسی کرد. رکوردزنی ایران در سرعت و شدت کنترل نرخ رشد جمعیت در بازه زمانی ۲ دهه‌ای و رساندن نرخ رشد از ۲/۹ درصد دهه ۶۰ به ۱/۳ درصد در دهه ۸۰ هر چند در ابتدای امر تحسین‌های زیادی را از سمت نهادهای جهانی با خود به همراه آورد اما گذشت مدت زمانی کوتاه و نمایان شدن اثر این شکل عجیب از کنترل نرخ رشد جمعیت و شتاب‌گیری یکباره جمعیت ایران به سمت میانسالی و کهنسالی، این هشدار را به سیاست‌گذاران کلان کشور داد که روند تغییرات جمعیتی کشورمان حکایتگر بیرون آمدن از چاله رشد بالای جمعیت و افتادن در چاه پیری جمعیت است. سخنرانی مشهور رهبر انقلاب در سال ۹۱ نیز گویای این مساله بود و ایشان در آن سخنرانی با هشدار نسبت به شیب تند تغییرات جمعیتی کشورمان به سمت پیری فرمودند: «ما باید در سیاست تحدید نسل تجدیدنظر کنیم. سیاست تحدید نسل در یک برهه‌ای از زمان درست بود؛ یک اهدافی هم برایش معین کردند. آنطوری که افراد متخصص و عالم و کارشناس علمی این قسمت تحقیق و بررسی کردند و گزارش دادند، ما در سال ۷۱ به همان مقاصدی که از تحدید نسل وجود داشت، رسیدیم. از سال ۷۱ به این طرف، باید سیاست را تغییر می‌دادیم؛ خطا کردیم، تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم. کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود و از بین خواهد رفت اگر به همین ترتیب پیش برویم؛ آنطوری که کارشناس‌ها بررسی علمی و دقیق کردند. اینها خطایابی نیست؛ اینها کارهای علمی و دقیق کارشناسی شده است.» البته که این هشدارها به آن سخنرانی نیز محدود نماند و در ۳۰ اردیبهشت سال ۱۳۹۳ مقام معظم رهبری سیاست‌های کلی جمعیت را که بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شد ابلاغ کردند. در این سیاست‌ها بر جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری به صورت معقول و معتدل تاکید بسیار شده است.

با مجموعه این اوصاف می‌توان مساله آینده جمعیتی جمهوری اسلامی را از مسائل دارای اولویتی دانست که هرگونه تصمیم‌گیری بدون مبنای علمی براساس آن می‌تواند هدفی صحیح همچون کنترل نرخ رشد جمعیتی بالای دهه ۶۰ را تبدیل به یک نقطه بحرانی، برخلاف هدف اولیه خودبنیابد.

**اهمیت مطالعات جمعیت‌شناختی**  
پدیده جمعیت و اثرگذاری و اثرپذیری آن روی باقی نوسانات اجتماعی و اقتصادی، این مساله را تبدیل به یکی از مهم‌ترین متغیرها در سیاست‌گذاری اجتماعی کشورهای مختلف در یک قرن اخیر کرده است. واقعیت امر آن است که تا پیش از گسترش بهداشت و رفاه عمومی و در سایه وفور زمین برای سکونت، معادلات جمعیتی

از معادلات حیاتی در چارچوب وظایف دولت‌ها محسوب نمی‌شد و حکام مختلف می‌دانستند که به علت خودکفایی و خودبسندگی نسبی اقتصادهای سنتی میزان زاد و ولد مردم تاثیر چندانی بر رویه و عملکردهای دولت‌ها نمی‌گذارد و از همین جهت نیز غالبا سیاست‌گذاری چندانی برای تشویق یا کنترل فرزندآوری خانوارها از خود نشان نمی‌دادند اما با گذشت زمان و فراگیری بهداشت از یکسو آمار مرگ و میرها کاهش و سن امید به زندگی جوامع افزایش پیدا کرد و از سوی دیگر تغییر سیستم اقتصادی و وفور در تولید و افزایش سطح رفاهی خانوارها موجب آن شد تا به یکباره در مدت زمانی کوتاهی جمعیت غالب کشورها با شیب تندی افزایش پیدا کند و جمعیت را تبدیل به یکی از محورهای سیاست‌گذاری دولت‌ها کند. به طور مثال زمانی که نرخ افزایش جمعیت با شیبی تند در حال طی شدن است، جمعیت جوان جامعه باید تبدیل به مهم‌ترین هدف سیاست‌گذاری‌ها شود اما زمانی که این شیب کند شود در طول چند دهه باید انتظار کاهش جمعیت جوانان و افزایش جمعیت میانسالان و سالمندانی را داشت که نیازهایی متفاوت از جوانان دارند، به گونه‌ای که نیازهای جوانان بیشتر شامل تحصیل و اشتغال می‌شود و نیازهای میانسالان و سالمندان در چارچوب خدمات درمانی و تامین مالی ایام بازنشستگی‌شان معنا پیدا می‌کند. یک قیاس ساده در وضعیت مدارس دهه ۶۰ کشورمان و دوشیفته و سه‌شیفته بودن آنها و صف‌های چند میلیونی متقاضی کنکور برای ورود به دانشگاه‌ها با ظرفیت فراتر از متقاضی مدارس و دانشگاه‌های ایران در سال‌های اخیر بخوبی نمایان‌کننده اثر وضعی جمعیت بر روند خدمات اجتماعی است که پیش‌بینی می‌شود با توجه به شتاب جمعیت کشورمان به سمت پیری، رشد پایین جمعیت کشورمان و نرخ فرزندآوری کمتر از ۲/۱ به عنوان نرخ جانشینی جمعیت در میان زوج‌های جوان، چند دهه دیگر کشورمان شرایطی همانند تقاضاهای آموزشی و شغلی قشر جوان را در جنبه تقاضاهای جمعیت آنبوه سالمندان شاهد باشد.

در بررسی عوامل اصلی اثرگذاری بر تحولات جمعیتی ۴ عامل «زاد و ولد»، «مرگ و میر»، «مهاجرت» و «ازدواج و طلاق» تعیین‌کننده‌ترین عواملی هستند که می‌توان مبتنی بر آنها به پیش‌بینی و آسیب‌شناسی تغییرات جمعیتی کشورهای مختلف پرداخت. به گونه‌ای که ارتقای سطح بهداشت و کاهش عوامل تهدیدکننده‌های همچون جنگ، قحطی و... نرخ مرگ و میر را کاهش می‌دهد و بر روند ورودی و خروجی جمعیت از طریق مهاجرت اثر می‌گذارد. از سوی دیگر رونق و بحران اقتصادی بر میزان زاد و ولد، گرایش به ازدواج و مهاجرت اثرات عمده می‌گذارد و فراتر از همه سبک زندگی و الگوهای مرجع اجتماعی در ارزش‌های زیستی جامعه را شکل می‌دهند بر هر کدام از عوامل فوق تاثیرنسبی خود را می‌گذارند. برای مثال میزان فراگیری «یئندیویزولیسیم» («صالت فرد» در رفتار اجتماعی که تا حدی عرضه زندگی شهری و بافتی متفاوت از خانواده سنتی است تا حد زیادی بر گرایش و عدم گرایش خانوارها در فرزندآوری نقش آفرین است.

**خیز بلند به سوی پیری!**

طبق اطلاعات سازمان آمار، میانگین سنی کشور از ۲۱/۱ در سال ۱۳۷۰ به ۲۱/۳ در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. به نقل از مرکز آمار ایران، ۵۰ درصد از جمعیت کشور زیر ۲۰ سال و ۵۰ درصد دیگر بالای ۳۰ سال است، هرچه میانه سنی جمعیت از ۳۰ سال بالاتر رود به معنای حرکت جمعیت کشور به سوی پیری است و بر اساس این شواهد کشور ما

**خیز بلند به سوی پیری!**

طبق اطلاعات سازمان آمار، میانگین سنی کشور از ۲۱/۱ در سال ۱۳۷۰ به ۲۱/۳ در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. به نقل از مرکز آمار ایران، ۵۰ درصد از جمعیت کشور زیر ۲۰ سال و ۵۰ درصد دیگر بالای ۳۰ سال است، هرچه میانه سنی جمعیت از ۳۰ سال بالاتر رود به معنای حرکت جمعیت کشور به سوی پیری است و بر اساس این شواهد کشور ما



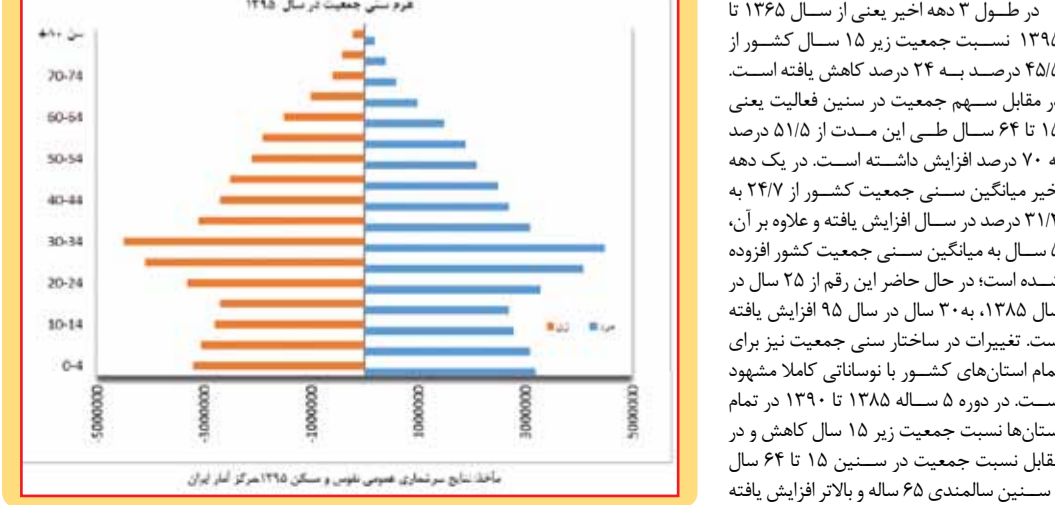
درمان مجلس نیز چندی پیش در این باره گفت: «در ۲۵ سال آینده ۳۳ درصد جمعیت کشور بالای ۶۰ سال سن خواهند داشت. پیش‌بینی شده در سال ۱۴۸۰ نرخ رشد جمعیت کشور کاهش یافته و به سمت صفر و منفی شدن در حال پیشروی باشد. گرایش خانواده‌ها به تک‌فرزندی زنگ خطر جدی برای جمعیت کشور به حساب می‌آید و مشکل جمعیتی کشور با شعار حل نمی‌شود.» مجموعه این شواهد حاکی از آن است که روند تغییرات جمعیتی ایران با شدتی خطرناک به سمت پیری جمعیت در دهه‌های آینده حرکت خواهد کرد و این حرکت می‌تواند از جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی خسارات جبران‌ناپذیری را به ایران وارد کند. پیری جمعیت علاوه بر آنکه از نیروی مولد اقتصادی کم کرده و به شمار نیروهای تحت پوشش و هزینه‌بر اضافه می‌کند؛ از جهات متعدد کشور را نیز از تحرک باز می‌دارد.

**پنجره جمعیتی و فرصت‌های سوخته**

«پنجره جمعیتی» اصطلاحی است که اشاره به ایام کم‌ظنبری در روند تحولات جمعیتی کشور دارد که روند افزایش جمعیت تا حدودی متوقف شده و کودکان به عنوان نیروی هزینه‌بر تبدیل به جوانان به عنوان نیروی مولد و سودآور شده‌اند. در این شرایط اگر بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور را نیروهایی که توانایی سودآفرینی و فعالیت مولد در اقتصاد داشته باشند شکل دهند، ما می‌توانیم از فرصت ۳۰ ساله پنجره جمعیتی نام ببریم که در آن مجموعه نیروهای فعال در اقتصاد کشور بیش از آنکه هزینه‌بر باشند، سودآفرینی می‌کنند. براساس آمارها، نزدیک به ۷۱ درصد از جمعیت فعلی کشورمان را افراد تا ۱۴ تا ۶۵ ساله‌ای تشکیل می‌دهند که می‌توانند به عنوان چرخ‌های پیش‌برنده اقتصاد به نقش آفرینی مفیدبپردازند.

از آغاز دهه ۷۰ و کاهش جمعیت کودکان به علت کاهش سطح باروری، سهم گروه سنی زیر ۲۰ سال به سرعت رو به کاهش گذاشته و در غیاب افزایش سهم جمعیت ۶۵ سال و بالاتر، نسبت بار نشان می‌دهد از دهه ۱۳۹۰ تا آغاز دهه ۱۴۲۰ جمعیت ایران در اوج وضعیت مطلوب خود در جریان گذار سنی قرار دارد. از آغاز این دهه پنجره فرصت جمعیتی بتدریج رو به بسته شدن می‌رود. با بسته شدن پنجره جمعیتی پروژه از دهه ۱۴۵۰ دوباره جمعیت ایران به سمت شرايطی مشابه پیش از گذار سنی، یعنی سال‌های قبل از دهه ۱۳۷۰ برمی‌گردد. با این تفاوت که در شرایط پیش از گذار، سهم جمعیت کودکان بالاتر و سهم جمعیت ۶۵ سال و بیشتر، پایین بود اما در شرایط پس از گذار سنی جمعیت، سالمندان با سهم جمعیت کودکان رقابت می‌کند. در دوره پنجره جمعیتی حتم و سهم افراد در سنین تولید و فعالیت افزایش یافته و به حداکثر خود می‌رسد. برای باقعل شدن این سرمایه باقووه لازم است شناخت درستی از ویژگی‌ها و مزایای جمعیت وجود داشته باشد و امکانات و بستریهای لازم در سایه مدیریت و برنامه‌ریزی خوب برای استفاده از این شرایط فراهم شود.

در طول ۳ دهه اخیر یعنی از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال کشور از ۴۵/۵ درصد به ۲۴ درصد کاهش یافته است. در مقابل سهم جمعیت در سنین فعالیت یعنی ۱۵ تا ۶۴ سال طی این مدت از ۵۱/۵ درصد به ۷۰ درصد افزایش داشته است. در یک دهه اخیر میانگین سنی جمعیت کشور از ۲۴/۷ به ۲۱/۳ درصد در سال افزایش یافته و علاوه بر آن، ۵ سال به میانگین سنی جمعیت کشور افزوده شده است؛ در حال حاضر این رقم از ۲۵ سال در سال ۱۳۸۵، به ۳۰ سال در سال ۹۵ افزایش یافته است. تغییرات در ساختار سنی جمعیت نیز برای تمام استان‌های کشور با نوساناتی کاملا مشهود است. در دوره ۵ ساله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در تمام استان‌ها نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال کاهش و در مقابل نسبت جمعیت در سنین ۱۵ تا ۶۴ سال و سنین سالمندی ۶۵ ساله و بالاتر افزایش یافته



مآخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران